

## با نهج البلاغه بیشتر شویم

## (پایه هشتم)

سلام

آنچه اکنون در دست دارید، بخشی از کلمات و جملات کتاب ارجمند «نهج البلاغه» است که به صورت ساده و مختصر برای شما فراهم گردیده؛ اما با همه کوچکی اش محتوای آن به وسعت دریاهای بی کران، و به عظمت کوههای سر به فلک کشیده است. این کلمات و جملات، مانند دانه های مروارید درخشان، که از اعماق دریایی سرشار از مرواریدهای ناب به دست آمده، مخصوص شما نوجوانان عزیز انتخاب شده تا با بیانی ساده برای شما به آسانی قابل درک و آموختن باشد. و از این راه شما عزیزان را با کتابی که پس از قرآن، عالی ترین و گرانقدرترین کتاب انسان سازی است آشنا سازد. نهج البلاغه یعنی راه و روش شیوایی گفتار و رسایی کلام که بعد از قرآن دومین کتاب شیعیان می باشد.

## آشنایی با نهج البلاغه

نهج البلاغه، کتاب ارزشمند و بی همتایی است که در بردارنده برخی از سخنان و کلمات گهربار امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) می باشد. کتاب نهج البلاغه در سه فصل جداگانه به ابتکار و ذوق علامه سید رضی (ره) تنظیم گردیده است.

**فصل اول:** خطبه ها، مجموعه سخنرانی های دلنشین و شورانگیز امام علی (علیه السلام) که شامل ۲۴۱ خطبه است.

**فصل دوم:** نامه ها، مجموعه نامه های امام به دوستان، دشمنان، استانداران، فرمانداران نظامی و دیگر مسئولان کشوری و... که شامل ۷۹ نامه می باشد.

**فصل سوم:** کلمات کوتاه و جملات زیبای حکمت آمیز، که مجموعاً ۴۸۰ کلمه می باشد.

## شناسنامه نهج البلاغه

نام: نهج البلاغه	تاریخ تولد: سال ۴۰۰ - ه. ق	محل تولد: محله کرخ در بغداد
صاحب کتاب: حضرت علی (علیه السلام) امام اول مسلمین	گرد آورنده: سید رضی (ره) از علماء قرن چهارم	
مدت جمع آوری: ۲۰ سال	مدت عمر: بیش از ۱۰۰۰ سال	
تعداد خطبه ها: ۲۴۱ خطبه	تعداد نامه ها: ۷۹ نامه	تعداد کلمات کوتاه: ۴۸۰ کلمه

## گوهرهای ناب

تعدادی از جملات زیبا، آسان و دلپذیر از قسمت حکمتها و سخنان کوتاه نهج البلاغه آماده شده است که ما با به خاطر سپاری و عمل به آنها می توانیم شیوه های زندگی فردی و اجتماعی خود را بیاموزیم و اصلاح کنیم.

## ۱- انگیزه دوری از گناه

«لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَيَّ مَعْصِيَتَهُ؛ لَكَانَ يَجِبُ أَلَّا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ» اگر حتی خداوند بندگانش را از نافرمانی کردن و گناه ورزیدن نترسانیده بود؛ باز هم واجب بود که انسان، مرتکب هیچ گناهی نشود تا به این وسیله در برابر نعمتهای او سپاسگزاری کرده باشد. (حکمت ۲۹۰)

**شرح:** کسی که گناه می کند و فرمان خداوند را به جای نمی آورد، در حقیقت نعمتهایی را که خداوند به او داده است تباه می کند. در واقع گناهکار برای آنکه در برابر خداوند مرتکب گناه و نافرمانی شود، از همان امکانات و نیروهایی استفاده می کند که خداوند آنها را برای انجام کارهای درست و نیک به او داده است. به این ترتیب آیا شخص گناهکار با انجام هر کدام از گناهان، خود و نعمتها و نیروهایی را که از خداوند دارد تباه و حرام نمی کند؟ البته خداوند به بندگان خود هشدار داده، و آنها را از گناه و نافرمانی بیمناک کرده است. ولی اگر خداوند چنین بیم و هشدار را هم نداده بود، و اگر انسان آسوده خاطر بود که به خاطر گناهانش کیفر و مجازات نخواهد دید؛ باز هم حق نداشت نعمتهای خداوند را تباه کند. یعنی در برابر نعمتهای دیدن، شنیدن، بوئیدن، حرکت، تپیدن قلب، تنفس ششها، اندیشیدن، توانایی انجام کارهای گوناگون داشتن و هزاران نعمت دیگر، انسان باید قدرشناس باشد و به شکرانه این نعمتهای بزرگ و با ارزش هرگز مرتکب گناه و نافرمانی خداوند نشود.

## ۲- زندگی دنیوی دلیل زندگی اخروی

«وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشَأَةَ الْآخِرَى، وَهُوَ يَرَى النَّشَأَةَ الْأُولَى» در شگفتم از کسی که زندگی این دنیا را می بیند، و باز زندگی دنیای دیگر (آخرت) را قبول ندارد. (حکمت ۱۲۶)

**شرح:** کسی که با درک و دانایی در زندگی این دنیا نظر کند، سراسر دنیا را پر از نشانه هایی خواهد دید که از قدرت آفرینش خداوند حکایت می کنند. و کسی که قدرت آفرینش خداوند را با عقل و بینش بررسی کند، هرگز مسأله آخرت و زندگی پس از مرگ را انکار نخواهد کرد. اگر ما با دقت و شعور

و انصاف به دنیای خود نگاه کنیم؛ به روشنی می بینیم که انسان و حیوان و گیاه، و بالاخره تمام موجودات زنده این دنیا از «نیستی» به وجود آمده اند. پس خداوندی که قادر بوده این زندگی و این همه موجودات زنده را از «نیستی» به «هستی» بیاورد؛ باز هم قدرت آن را خواهد داشت که پس از مرگ و نابودی این موجودات، یک بار دیگر آنها را زنده کند. پس به عنوان مثال همان گونه که می بینیم خداوند قبلاً یک بار قدرت خود را در همین دنیا نشان داده، و ما را از خاک به خود آورده است. به این ترتیب خدایی که چنین قدرتی دارد؛ یک بار دیگر هم قادر به انجام این کار خواهد بود. یعنی وقتی ما بمیریم و به مثنی خاک مبدل شویم، دوباره در روز قیامت خداوند ما را از دل خاکها بیرون می آورد و به ما «هستی» و زندگی می دهد تا برای رسیدگی به حساب کارهایمان در صف محشر آماده شویم.

### ۳- بزرگترین عیب

«أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فَيْكَ مِثْلَهُ» بزرگترین عیب آن است که عیبی را که خود نیز داری در دیگران عیب بشماری. (حکمت ۳۵۳)

**شرح:** کسانی هستند که عیب و ایرادی را که در اعمال و رفتار خودشان وجود دارد نمی بینند و به حساب نمی آورند، اما همینکه آن عیب را در شخص دیگری ببینند زبان به عیبجویی و انتقاد باز می کنند، و همه جا و پیش همه کس از عیب آن شخص سخن می گویند. امام (علیه السلام) می فرماید: این خود بزرگترین عیب است که تو عیبی را در مردم بینی و آن را زشت و ناپسند بشماری و زبان به انتقادش بگشایی، در حالی که خودت نیز شبیه همان عیب را داشته باشی، ولی به آن توجه نکنی. البته منظور امام این نیست که وقتی در دیگران عیبی را دیدی که خودت نیز شبیه آن عیب را داری همین کافی است که عیب دیگران را به زبان نیآوری و در عوض عیب خودت نیز سر جایش باقی بماند. بلکه منظور این است که وقتی عیب دیگران باعث ناراحتی ما شد؛ هوشیار باشیم و فوراً به خود آییم و ببینیم آیا خود ما نیز آن عیب را داریم یا نه؟ و اگر دیدیم خودمان نیز دارای همان عیب هستیم، در صدد برطرف کردن آن برآئیم، زیرا آن عیب همانطور که در وجود دیگران ما را ناراحت کرده است، در وجود ما نیز باعث ناراحتی دیگران خواهد شد.

### ۴- همت عالی و شکمپروری

«لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَوَلِيْمَةٌ» همت عالی با سورچرانی و شکمپروری سازگار نیست. (حکمت ۲۴۱)

**شرح:** کسی که صاحب همت عالی است به شکمپروری و سورچرانی، توجه و اعتناء نمی کند و کسی که در پی سورچرانی و شکمپروری برود، نمی تواند همت عالی داشته باشد. به عبارت دیگر ممکن نیست که همت عالی و شکمپروری در وجود انسان، یک جا جمع شده باشد. زیرا شخص سورچران بیش از هر چیز در بند شکم خویش است، و تمام فکر و کوشش او صرف آن می شود که چطور و از چه راهی خود را به سفره ای رنگین برساند و شکمش را از خوراکی های لذیذ انباشته کند. اما کسی که همت عالی دارد، فکر و ذهنش آن قدر مشغول مسائل مهم و کارهای عالی و انسانی است که اصولاً فرصتی برای فکر کردن به شکم پیدا نمی کند. و تازه وقتی هم سر سفره بنشیند، غذایش ساده ترین غذاها خواهد بود. نمونه درخشان این افراد خود حضرت علی (علیه السلام) است که غذایش بیشتر اوقات، چیزی جز نان خالی، یا نانی همراه با کمی خرما، یا کمی پیاز، یا کمی نمک نبوده است. تا جایی که اگر اندکی بیش از این برایش غذا می آوردند، به شدت اعتراض می کرد.

### ۵- ایمان و راستگویی

«عَلَامَةُ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكُذْبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ» نشانه ایمان آن است که راستگویی را اگرچه به تو زیان برساند، بر دروغگویی

اگرچه به تو سود برساند مقدم بداری. (حکمت ۴۵۸)

**شرح:** مسلمان و مؤمن واقعی، یعنی کسی که دارای ایمان محکم و راستین است، نشانه هایی دارد که به وسیله آنها می توان او را از افراد بی ایمان یا سست ایمان بازشناسی کرد. یکی از این نشانه ها آن است که شخص مؤمن سود واقعی را در اطاعت از دستورات خدا و زیان واقعی را در اطاعت نکردن از دستورات خدا می داند. از آنجا که خداوند به ما دستور داده که همیشه راست بگوییم و از دروغگویی پرهیز کنیم؛ مسلمان با ایمان نیز هرگز حاضر نمی شود بر خلاف این دستور رفتار کند. تا جایی که حتی اگر زمانی راست گفتن به زیانش باشد و دروغ گفتن به او سود برساند، از سود دروغ گفتن چشم می پوشد و زیان راست گفتن را به جان می پذیرد و لب به دروغگویی باز نمی کند. زیرا مؤمن سود و زیان واقعی را نزد خدا می داند و بس.

### ۶- ایمان

«فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطَهُّرًا مِنَ الشَّرِكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهَا عَنِ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَسْبِيًا لِلرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِاخْلَاصِ الْخَلْقِ، وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ، وَالْجِهَادَ عَزًّا

لِلْإِسْلَامِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ، وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ، و...» خداوند ایمان را برای پاک شدن دلها از آلودگی کفر و شرک، و نماز را برای پاک بودن از سرکشی و نافرمانی واجب کرد. زکات را وسیله ای برای روزی مستمندان، و روزه را وسیله ای برای آزمایش اخلاص بندگان قرار داد. حج را برای نیرومند شدن دین، و جهاد را برای شکوه و سربلندی اسلام واجب ساخت. امر به معروف را به خاطر اصلاح توده ناآگاه مردم، و نهی از منکر را برای بازداشتن افراد بی خرد از کارهای زشت و گناه آلود مقرر کرد. (حکمت ۲۵۲)

**شرح:** احکام دین اسلام با تمام جزئیات خود دستورهایی هستند که خداوند برای بندگان مؤمن خود مقرر کرده است. از این رو انجام دادن این احکام وظیفه حتمی و قطعی مسلمانان است، و یک مسلمان مؤمن کسی است که دستورهای واجب الاجرای خداوند را بدون چون و چرا انجام می دهد، و درباره آنها دچار هیچ گونه شک و تردیدی نمی شود، هیچ گونه سؤال و جوابی نمی کند، و هیچ گونه دلیل و برهانی نمی خواهد. با این حال گاهی پیشوایان معصوم و امامان بزرگوار ما علت منطقی و فلسفه فردی و اجتماعی این دستورها را تشریح کرده و درباره هر یک، توضیح کافی داده اند تا هم غیر مسلمانان به منطقی و مستدل بودن دستورهای اسلام پی ببرند و بتوانند با دستورهای ادیان دیگر مقایسه کنند، و هم مسلمانها با فلسفه احکامی که انجام می دهند آشنا شوند و فواید سازنده آنها را بهتر و بیشتر بشناسند. امام (علیه السلام) نیز در این جمله های کوتاه و پر معنی فلسفه ایمان، نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر را تشریح فرموده و درباره واجب بودن هر یک توضیحی دقیق و عمیق داده اند.

## ۷- عمل و نسب

«مَنْ أَبْطَأَ بِهٖ عَمَلُهُ؛ لَمْ يُسْرِعْ بِهٖ نَسَبُهُ» کسی که به خاطر کردارش عقب مانده است؛ با اتکاء به اصل و نسب نمی تواند پیش بیفتد. (حکمت ۲۳)

**شرح:** انسان باید کردار نیکو داشته باشد و تنها به اتکاء کردار خود، به سوی آسایش دنیا و سعادت آخرت پیش برود. زیرا در قانون الهی کردار هیچ کس را به حساب کس دیگر نمی نویسند و پاداش هیچ کس را به بستگان و نزدیکان او نمی دهند. انسان نمی تواند به پدر و مادر و اجداد شریف و بزرگوارش که در تقوا یا علم یا هنر احترام و اعتبار داشته اند متکی باشد. و نمی تواند به اتکاء آنها به کردار خود بی توجهی کند. یعنی عبادت و بندگی خداوند را به جای نیابرد، و برای پیشرفت زندگی و رستگاری آخرت خود هیچ کاری انجام ندهد، ولی به خاطر اصل و نسب خود منتظر باشد که در این دنیا به مقام و منزلت و احترام برسد، و در آن دنیا هم پاداش نیکو بگیرد.

## ۸- تفاوت اعمال

«شَتَّانَ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ، عَمَلٌ تَذَهَبُ لَذَّتُهُ وَتَبَقَّى تَبِعَتُهُ، وَعَمَلٌ تَذَهَبُ مَثْوَتُهُ وَبَقِيَ أَجْرُهُ» چه تفاوت بسیاری که بین دو گونه عمل و کردار انسانها وجود دارد، عملی که لذت و خوشی آن به سرعت می گذرد، ولی نتایج زیانبار و عواقب آن باقی می ماند، و عملی که رنج و زحمت آن، زود تمام می شود، ولی پاداش آن بر جای می ماند. (حکمت ۱۲۱)

**شرح:** خداوند انسان را آزاد و مختار آفرید و به او عقل و شعور داد تا آزادانه راه زندگی اش را انتخاب کند، و با اراده و اختیار خود هر عملی را که دلش خواست انجام دهد. اما در روز قیامت کسی که عمل خوب انجام داده، پاداش می گیرد و کسی که مرتکب اعمال بد شده، به کیفر و مجازات می رسد. امام (علیه السلام) به مسلمانان هشدار می دهد تا بدانند که بین این دو گونه عمل تفاوت بسیاری هست و فریب ظاهر را نخورند. یعنی انسان باید بداند که کار خوب و بد هر دو به زودی می گذرد و تمام می شود، در حالی که نتایج و پیامدهای آن از بین نمی رود و در کارنامه عمل انسان باقی می ماند.

## ۹- مسئولیت وعده

«الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّى يَعِدَّ» کسی که از او درخواستی می شود، تا زمانی که وعده انجامش را نداده باشد آزاد است. (حکمت ۳۳۶)

**شرح:** اسلام درباره وفای به عهد سفارش بسیار کرده است. تا جایی که گفته می شود: یکی از تفاوت های مسلمان با دیگران در این است که مسلمان وقتی برای انجام کاری قول بدهد، دیگر به هیچ قیمتی نباید از انجام قول و وعده خود شانه خالی کند. پس هر گاه کسی از شما درخواستی کرد، نباید نستجیده و بدون اندیشه و حساب، وعده انجام آن را بدهید. امام (علیه السلام) برای آنکه ارزش و اهمیت خوش قولی، و زشتی بدقولی را نشان دهد، در این کلام موضوع را به شکل تازه ای مطرح کرده است. حضرت می فرماید: وقتی از شما درخواستی می شود، تا زمانی که قول انجامش را نداده اید آزاد هستید که انجام آن کار را قبول کنید یا قبول نکنید. اما همینکه وعده انجامش را دادید، دیگر آزاد نیستید بلکه خود را به صورت بنده کسی درآورده اید که باید برایش کاری انجام بدهید. یعنی انسان در برابر قول و قراری که می گذارد آن قدر مسئولیت پیدا می کند که گویی به صورت بنده قول و عهد خود درآمده است و هیچ چاره ای جز انجام آن ندارد.

## ۱۰- رفتار ما و گفتار دیگران

«مَنْ أَسْرَعَ إِلَى النَّاسِ بِمَا يَكْرَهُونَ؛ قَالُوا فِيهِ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ» هر کس به سوی چیزی که مردم از آن بدشان می آید بشتابد؛ مردم نیز درباره او آنچه را که نمی دانند خواهند گفت. (حکمت ۳۵)

**شرح:** کسی که با گفتار و کردار زنده خویش مردم را برنجاند، مثل آن است که شتابان به سوی چیزی رفته که مردم از آن بدشان می آید. یعنی برای انجام کاری که باعث رنجش و آزرده گی دیگران می شود، شتاب کرده است. معنی شتاب کردن در کاری که باعث رنجش می شود، آن است که ما بدون فکر و اندیشه و بدون سنجیدن و حساب کردن سخنی بگویم یا کاری کنیم که دیگران را از ما متنفر و رنجیده سازد.